

پس از سال ۱۳۵۷ ه. ش در شش ماه اخیر سال ۱۳۹۴ ویا پس از ۳۶ سال، بار دیگر موج پناهجویی از سر گرفته شد. پناهجویان سال اخیر با پناهجویان سال‌های پیش از بسیاری جهات باهم تفاوت‌های بنیادی دارد.

بنا به آماری که کمیشنر عالی سازمان ملل برای آوارگان به نشر رسانده، دومین گروه پناهجویان را پس از سوری‌ها، افغانستانی‌ها تشکیل می‌دهد. ترک گروهی از کشور که بنابه آمار آن نهاد معتبر بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ به سه برابر نظر به سال ۲۰۱۴ افزایش یافته، بیشتر از همه درون هزاره‌ها و به ویژه میان نسل تعلیم یافته و باسواد این ملیت، که در جریان سال ۲۰۱۵ چندین بار آماج نسل‌کشی و گروگان‌گیری هدفمند از جانب هراس‌افگنان قرار گرفت، به مشاهده می‌رسد.

مساله فرار هزاره‌ها از کشور پدیده‌ای تازه و نو نیست. این ملیت، پس از ۱۸۸۰ چندین بار به پناهجویی گروهی دست زده است. آنان پس از کشتار ۶۳٪ (۱) در جریان دهه‌ی ۱۸۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۸۹۰، علاوه بر کوچ گروهی جانب شمال، جنوب و غرب کشور درگیر یک نوع جابه‌جایی ویا بی‌جایی داخلی ویا سکونت اجباری روی اراضی از دست رفته‌ی شان به شکل یکنوع برده‌گی غیررسمی غرض کار روی اراضی خودشان که توسط فرامین سلطانی از دست داده بودند، نیز گردیدند. این نوع برده‌گی غیررسمی، از آنجا بر این ملیت تحمیل گردید، که استقرار قبایل کوچ رو بر مبنای فرمان سلطانی مالکان...

صفحه‌ی ۳

شماره‌ی ۶۷ | سال دوم، یکشنبه، ۲۷ جدی ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۱۷ جنوری ۲۰۱۶ میلادی

طالبان هنوز هم در شهر قندز حضور دارند

مهم هفته

زمان برگزاری انتخابات مجلس تا دو روز دیگر مشخص می‌شود

یوسف نورستانی، رئیس کمیسیون انتخابات می‌گوید که زمان نهایی برگزاری انتخابات مجلس و شوراهای ولسوالی را تا دو روز دیگر مشخص می‌کنند.

آقای نورستانی که دیروز (شنبه، ۲۶ جدی) در نشست عمومی مجلس نماینده‌گان صحت می‌کرد، گفت که کمیسیون انتخابات روز دوشنبه آینده (۲۸ جدی) زمان برگزاری انتخابات آینده را اعلام خواهد کرد. به گفته‌ی او، افزون بر مشخص شدن زمان برگزاری انتخابات، معلومات مهم دیگری را نیز درباره‌ی انتخابات با مردم شریک می‌سازند.

نورستانی می‌گوید که دو بار در سال گذشته‌ی خورشیدی و یک‌بار در سال جاری برای مشخص شدن زمان برگزاری انتخابات آینده مجلس و شوراهای ولسوالی و حل کردن مشکلات انتخابات با سران "حکومت وحدت ملی" دیدار کرده است؛ اما به دلیل برخورد سیاسی رهبران حکومت با انتخابات تاکنون جوابی از آن‌ها دریافت نکرده است.

دوره‌ی کاری قانونی مجلس کنونی در اول سرطان امسال پایان یافت. قانون اساسی افغانستان زمان برگزاری انتخابات مجلس را ۳۰ تا ۶۰ روز پیش از پایان یافتن دوره‌ی کاری مجلس (اول سرطان) پیش‌بینی کرده است.

بر بنیاد قانون اساسی، انتخابات مجلس و شوراهای ولسوالی باید در بهار امسال برگزار می‌شود؛ اما به دلیل اختلاف‌ها میان سران "حکومت وحدت ملی" و کمیبود بودجه، برگزاری این انتخابات تاکنون به تویق افتاده است.

مجلس و نهادهای ناظر بر انتخابات در افغانستان بارها از حکومت خواسته بودند تا زمان برگزاری این انتخابات را مشخص کند.

بر اساس گزارش‌های منابع محلی در قندز، نیروهای طالبان از مرکز این شهر پاک‌سازی شده و هنوز هم ساحات مشخصی مانند زاخیل و قهوه‌خانه، در کنترل طالبان قرار دارد و حضور آنان در اطراف شهر بسیار سنگین است. به‌تاریخ ۱۶ جدی، در منطقه‌ی پل چهار دره و تلوکه از مربوطات گورته جنگ شدیدی میان نیروهای دولتی و طالبان بوقوع پیوست. گرچه از میزان تلفات و خسارات وارده به طرفین در این جنگ اطلاع دقیقی در دست نیست، اما نفس وقوع درگیری، حضور طالبان را با روحیه‌ی تهاجمی، در حومه‌ی شهر نشان می‌دهد.

گفته می‌شود، شاهراه قندز-شیرخان بندر، از مرکز شهر تا پل آلچین، روز در کنترل دولت است و شب در اختیار طالبان. آنان، بی‌برق‌های‌شان را در پایه‌های برق اطراف سرک، نصب می‌کنند. در حدود ۲۶ روز پیش، یک افسر پولیس کماندو در همین منطقه، که به علت ناآشنایی با محل از سرک منحرف شده بود، از سوی طالبان محلی با همراهانش کشته شد. به گفته‌ی منابع محلی، نیروهای دولتی علیه طالبان در این مناطق هیچ اقدام تهاجمی نمی‌کنند و صرف در صورت حمله از سوی طالبان، به دفاع از خود می‌پردازند. به گفته‌ی منابع محلی، مردم نسبت به وضعیت پیچیده‌ی امنیتی نگران اند و کسی نمی‌داند که چرا دولت، بجای اینکه قندز را از وجود تروریست‌ها پاک‌سازی کند، دشمن را به‌گونه‌ی مار زخمی به حالش رها کرده است. اینکه مردم قندز علاقه‌ی برای بازسازی ویرانه‌های شهرشان، بعد از اشغال طالبان در ۶ میزان سال جاری، از خود نشان نمی‌دهند، نمایانگر آن است که مردم نگران آینده اند و تا هنوز امید به زندگی در قندز، برنگشته است.

توتاپ در تور تبعیض



بهرام آموئیایی

دلیل واقعی اصرار شرکت برشنا (به عنوان زیرمجموعه‌ی حکومت اشرف غنی) بر انتقال خطوط برق کاسا ۱۰۰۰ و توتاپ از مسیر سالنگ، تخنیکی نیست، سیاسی است. عده‌ی در ارگ ریاست جمهوری تلاش دارند بر ادامه‌ی راهی گام بگذارند که پیشینیان‌شان رفته اند: تبعیض سیستماتیک اقتصادی و سیاسی.

سمنگان و بامیان از جمله‌ی ولایت‌هایی است که در تشکیلات اداری افغانستان ولایت‌های درجه‌سه شمرده می‌شوند. برخلاف تمام شعارهای عوام‌فریبانه‌ی دولتمردان پیشین و پسین برای فقرزدایی و انکشاف متوازن، باشندگان این ولایت‌ها در چهارده سالی که گذشت، سهم ناچیزی از میلیاردها دالر کمک جامعه‌ی جهانی داشته‌اند؛ همچنان در فقر و واپس‌ماندگی به سر برده و امتیاز زیادی از انکشاف متوازن نداشته‌اند.

صفحه‌ی ۲

گزارشگر: ننگیالی "عثمانی"

"ورزشکاران مأیوس اند"

لطفن خود را معرفی کنید؟

مجاهد حکیم زاده، عضو تیم ملی ورزش‌های رزمی هستم. مدت ۱۴ سال میشود که ورزش میکنم و تمرینات خود را زیر نظر استاد نعیم محسنی و اجمل حیات انجام دادم.

آقای حکیم زاده درباره‌ی دستاوردهای تان اندکی صحبت کنید؟

۸ مدال طلا، یک برنز و یک کمر بند از مسابقات خارجی دارم. ۹ سفر ورزشی داشتیم و اولین سفر ورزشی‌ام به آذربایجان بود که به مدال رنگین دست یافتیم. در سال ۲۰۱۴ سفری به هندوستان داشتم که مسابقات به سطح پروفیشنل راه‌اندازی شده بود و خوشبختانه توانستم کمر بند را از آن خود کنم.

ورزش چه نقشی را در جامعه بازی می‌کند؟

ورزش پرافتخارترین فن در جامعه می‌باشد.

در مورد بعضی اشخاصیکه کلب‌های ورزشی باز کرده اند، چه نظر دارید؟

برخی اشخاصی که دست به این کار زده اند، از تجربه‌ی ورزشی برخوردار نیستند و از قوانین و مقررات ورزش چیزی نمی‌دانند. فدراسیون‌های افغانستان آنچه که به نفع‌شان باشد انجام می‌دهند. سال قبل چند تن از جوانان در جریان تمرینات در کلب‌های خودسرانه جان باختند. چون مربی از تجربه‌ی ورزشی برخوردار نبود، کلب را بسته و فرار کرد. من از تمام فدراسیون‌ها خواهش می‌کنم تا از ایجاد همچو کلب‌های خودسرانه جلوگیری کنند.



ورزشکاران کشور با کدام چالش‌ها روبرو اند؟

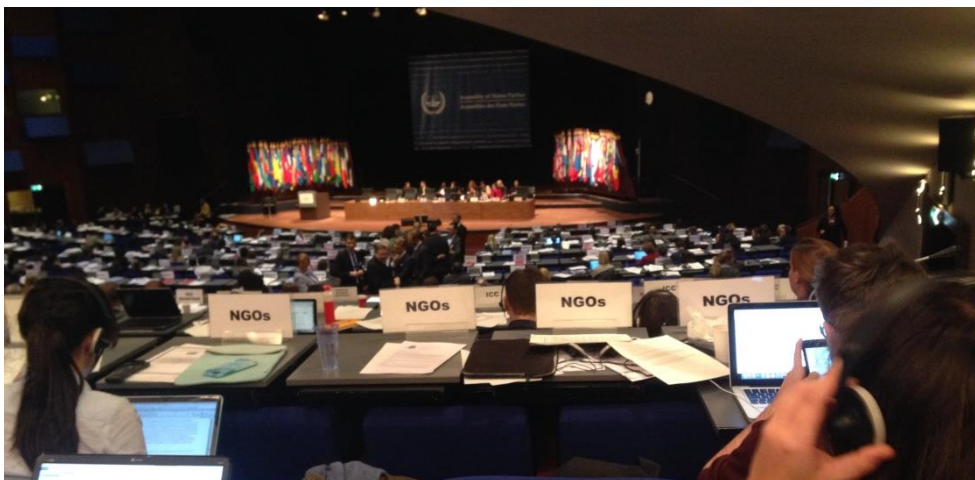
ورزشکاران ما بسیار مأیوس هستند، چون آینده‌ی ورزشکاران تضمین شده نیست. ورزشکاران افتخارات زیادی برای کشور کسب کرده اند، اما به دلیل بی‌توجهی مسئولان دولتی، تعداد زیادی از ورزشکاران از ادامه‌ی ورزش خودداری می‌کنند. شخص خودم سال آینده دیگر در مسابقات شرکت نمی‌کنم. میخواهم درس بخوانم و کار کنم، چون در آینده جای من در المپیک نیست.

به عنوان پرسش آخر، پیام شما برای جوانان چیست؟

جوانان عزیز! شما ستون فقرات این کشور هستید و در ترقی و پیشرفت جامعه‌ی خود کوشش کنید. ورزش کنید، درس بخوانید و فرهنگ مطالعه را در جامعه گسترش دهید. چون کشور عزیز ما به شما جوانان نیاز دارد.

عبدالخالق آزاد

به پیشواز استقبال از چهاردهمین سالروز تأسیس دادگاه بین‌المللی جرایم



حقیقت‌یاب به افغانستان، راه‌های مشخص را به جستجو گیرند. دادگاه بین‌المللی جنایی عمده‌تن آن جرایم جنایی را مورد پیگرد، تعقیب و تحقیق قرار می‌دهد که در اصولنامه‌ی آن که معروف به اصولنامه‌ی روم است، به جنایات نسل‌کشی، جنایات ضدبشری، جنایات جنگی، تجاوز و برده‌سازی جنسی، آزار و تعقیب شهروندان بر مبنای هویت اعتقادی، قومی، باورهای سیاسی و آواره‌گی رابطه می‌گیرد.

مداخله این دادگاه در بسیاری موارد توانسته، مجرمان را به دادگاه کشانده و در تطبیق عدالت مؤثریت جدی داشته باشد.

افغانستان که بنابه علل مختلف هم‌اکنون مهد تولید جرم و جنایت تلقی می‌گردد، هیچگاه توانسته...

صفحه‌ی ۳

دادگاه بین‌المللی جرایم چهاردهمین سالروز بنیانگذاری‌اش را در جریان تاریخ ۱۷-۲۶ دسامبر سال ۲۰۱۵م در شهر هاک هالند تجلیل کرد.

افغانستان به تاریخ ۱۰ فبروری سال ۲۰۰۳م اصولنامه‌ی روم یا منشور ICC را امضا کرده است. در این گردهمایی بین‌المللی که ۱۲۰ کشور و بیش از ۲۳۰ سازمان و نهاد حقوق بشری شرکت کرده بود، از "سازمان انکشاف حقوق بشر افغانستان" هم دعوت گردیده بود تا با اعزام نماینده، موضوعات و مشکلات این کشور را با آن نهاد معتبر بین‌المللی شریک ساخته و در زمینه‌ی تطبیق اصولنامه‌ی روم، از سال ۲۰۰۳ بدین سو، رخدادها و اتفاقات را گزارش و در زمینه‌ی اعزام یک هیئت



نشست‌های صلح؛ پاکستان همچنان زیر تیغ انتقاد

ب. آذری

برگزاری نشست چهارجانبه‌ی اخیر در اسلام‌آباد در پیوند به آغاز گفتگوهای صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان از سوی ناظران و تحلیل‌گران امور منطقه با شک و تردیدهای زیادی همراه بوده است. حتا اشرف غنی به تازگی گفته است، نسبت به تلاش‌های اخیر پاکستان برای از سرگیری گفتگوهای صلح با طالبان محتاطانه خوشبین است. حکمت خلیل کرزی، گفتگوکننده‌ی ارشد افغانستان در نشست چهارجانبه نیز گفته که افغان‌ها می‌خواهند در چند ماه آینده تغییری را در روند صلح شاهد باشند، زیرا صبر و حوصله‌ی سال گذشته را ندارند. شماری از مقام‌های پیشین امنیتی نیز نسبت به نتایج امیدوارکننده‌ی نشست‌های چهارجانبه بدبین‌اند و این کار را تلف کردن وقت می‌دانند. به باور آنها، پاکستانی‌ها سعی دارند تا آغاز سال جدید خورشیدی دولت افغانستان را مصروف گفتگوهای صلح کنند و بعد با گرمی هوا جنگ شدت می‌یابد و دیگر خبری از مذاکرات صلح نخواهد بود.

انتقاد از نقش منفی پاکستان در روند صلح افغانستان به مقام‌های پیشین و بحال دولت کابل محدود نمانده است. زلمی خلیل‌زاد، سفیر پیشین ایالات متحد آمریکا در افغانستان نیز به تازگی در گفتگو با رسانه‌های کشور، گفته است، از نشست چهارجانبه‌ی اخیر در پاکستان امیدواری‌های زیادی داشته، اما دولت اسلام‌آباد در این این نشست اظهارنظر و تعهد روشنی نکرده؛ مسئله‌ی که مایه‌ی ناامیدی او شده است.

خلیل‌زاد هشدار داده است که در صورت طولانی‌شدن روند صلح، فصل تازه‌ی جنگ در سال آینده خطرناک‌تر خواهد شد. خلیل‌زاد از ایالات متحد آمریکا خواسته است تا همکاری با پاکستان را به همکاری صادقانه‌ی این کشور برای کشاندن طالبان به میز گفتگوهای صلح با دولت کابل مشروط کند. این انتقادها در حالی صورت می‌گیرد که قرار است دور دوم نشست چهارجانبه روز دوشنبه در کابل برگزار شود. حکمت خلیل کرزی، گفته است، کشورش در نشست آینده "نقشه‌ی راه صلح" را با نمایندگان سه کشور دیگر شریک خواهد کرد. هنوز در مورد جزئیات این "نقشه‌ی راه صلح" چیزی گفته نشده است.

نشست‌های اخیر در پیوند به روند صلح افغانستان در حالی صورت می‌گیرد که با گذشت هر سال میزان بی‌اعتمادی افغانستانی‌ها نسبت به دولت پاکستان بیشتر می‌شود و پاکستانی‌ها نیز تلاش صادقانه‌ی که نشان‌دهنده‌ی حسن نیت آنها نسبت به ثبات‌سازی در افغانستان باشد، از خود بروز نداده‌اند. سال گذشته نیز با رفت و آمد مقام‌های افغان و پاکستانی به کابل و اسلام‌آباد، موج خوشبینی‌ها به نقش پاکستان بیشتر از امسال بود. اما با شروع فصل گرما، این خوشبینی‌ها به یکبارگی جایش را به ناامیدی همیشگی داد. امسال میزان این خوشبینی‌ها کم است و احتمال فریب دوباره‌ی حکومت کابل از سوی اسلام‌آباد هم کمتر به نظر می‌رسد.

افغانستانی‌ها حق دارند که نسبت به پاکستانی‌ها بدبین باشند؛ چون این دولت اسلام‌آباد بوده که همواره نقش بد را در سیاست افغانستان بازی کرده است؛ در حالیکه افغانستانی‌ها بارها سعی کرده‌اند، دشمنی با دولت پاکستان را به دوستی دوامدار تبدیل کنند، اما تمام این تلاش‌ها یک‌سویه بوده و منجر به جلب همکاری صادقانه‌ی نظامیان پاکستانی نشده است. حالا با توجه به موج گسترده‌ی بی‌اعتمادی افغانستانی‌ها نسبت به پاکستان، دولت این کشور باید ضمن دادن تعهدهای روشن و قابل‌باور به جانب افغانستان، در عمل ثابت کند که تغییر مهمی در دستگاه سیاست خارجی پاکستان نسبت به افغانستان وارد شده است؛ در غیر آن، پاکستانی‌ها ممکن است دولت‌مردان افغان را دوباره بفرینند، اما مردم افغانستان با نیرنگ‌بازی‌های نظامیان پاکستانی به‌خوبی آشنا هستند و میزان نفرت آنها با گذشت هر سال بیشتر می‌شود.

توتاپ در تور تبعیض

اینست که دلیل واقعی اصرار شرکت برشنا(به عنوان زیرمجموعه‌ی حکومت اشرف غنی) بر انتقال خطوط برق کاسا ۱۰۰۰ و توتاپ از مسیر سالنگ، تخنیکی نیست، سیاسی است. عده‌ی در ارگ ریاست جمهوری تلاش دارند بر ادامه‌ی راهی گام بگذارند که پیشینیان‌شان رفته‌اند: تبعیض سیستماتیک اقتصادی و سیاسی.

سمنگان و بامیان از جمله‌ی ولایت‌هایی است که در تشکیلات اداری افغانستان ولایت‌های درجه‌سه شمرده می‌شوند.

برخلاف تمام شعارهای عوام‌فریبانه‌ی دولت‌مردان پیشین و پسین برای فقرزدایی و انکشاف متوازن، باشندگان این ولایت‌ها در چهارده سالی که گذشت، سهم ناچیزی از میلیارد‌ها دالر کمک جامعه‌ی جهانی داشته‌اند؛ همچنان در فقر و واپس‌ماندگی به سر برده و امتیاز زیادی از انکشاف متوازن نداشته‌اند.

رشد و توسعه هیچگاهی در افغانستان متوازن نبوده و سیاستگران همیشه در مقطع خاصی که نیاز به رأی و حمایت مردم داشته‌اند، با سردادن شعارهای تأمین انکشاف متوازن و رهاسازی افغانستان مرکزی از حصار طبیعت(شعار اشرف غنی در جریان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری) سخن گفته‌اند؛ اما وقتی بر اریکه‌ی قدرت لم زده‌اند، به یکبارگی این شعارها را از یاد برده و دوباره بر ادامه‌ی همان سیاست تبعیض که از روزگار پدیدآمدن جغرافیای کنونی افغانستان بر مردم فرودست ولایت‌های مرکزی تحمیل شده است، پرداخته‌اند.

باشندگان ولایت‌های مرکزی با آنکه صلح‌جوترین مردم در افغانستان هستند و مناطق‌شان امن‌ترین مکان برای سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی است، مورد تبعیض دوامدار اقتصادی و سیاسی قرار دارند. گویی تصور همیشگی در میان دولت‌مردان کابل این بوده و است که مردم گوسفندی این مناطق تهدید جدی‌ی برای دولت مرکزی تمامیت‌خواه نیستند.

این باور بنا بر دو دلیل در میان سیاستگران برتری‌طلب از مدت‌ها پیش رایج بوده: نخست، مردم مناطق مرکزی به دلیل سرکوب‌های عبدالرحمان خان و پس از آن، خود را در محاصره‌ی طبیعت و سیاست تبعیض می‌دیدند و لذا از آگاهی سیاسی بلندی برخوردار نبودند. ادامه‌ی سیاست فقرسازی، توزیع فقر، تبعیض و سرکوب شده تا آنها حتا به زندگی در مغاره‌ها بسنده کنند؛ رویکردی که فرودستان ولایت‌های مرکزی را از بازی سیاست به دور انداخته، و در نهایت به فراموشی سپرده شده‌اند.

دو دیگر، مردم به دلیل ناآگاهی سیاسی به کسانی به عنوان رهبران خودشان چشم امید بسته‌اند که عده‌ی از آنها هر از چندی حق سیاسی مردم را در بدل به‌دست‌آوردن سهم ناچیزی از قدرت سیاسی برای خود و هم‌حزبی‌هایشان، گاهی به این سیاستگر و گاهی هم به آن می‌فروشدند. عده‌ی دیگر اما به حدی بی‌اتوریته و فاقد جرئت سیاسی‌اند که به گونه‌ی درداور و ناامیدکننده حتا در موقعیت معاون دوم رئیس‌جمهور به شرکت برشنا نامه می‌نویسند و از آنها خواهان توجه در زمینه‌ی مسیر انتقال پروژه‌ی توتاپ می‌شوند. سیاستگرانی با روحیه‌ی ضعیف به نمایندگی از مردمی که در صلح‌خواهی و قناعت شهرت دارند، برای دولتمرد خودرأی و برتری‌خواهی که سعی دارد تمامیت افغانستان را در یک مشت بگیرد و فرصت و زمینه‌ی زیادی برای مردم باقی نگذارد، بهترین زمینه را فراهم می‌کنند تا او به سادگی دست به مانور بی‌باکانه علیه مردم بزند و هرچه دل‌اش خواست عمل کند.

بلندی برخوردار نبودند. ادامه‌ی سیاست فقرسازی، توزیع فقر، تبعیض و سرکوب سبب شده تا آنها حتا به زندگی در مغاره‌ها بسنده کنند؛ رویکردی که فرودستان ولایت‌های مرکزی را از بازی سیاست به دور انداخته، و در نهایت به فراموشی سپرده شده‌اند.

دو دیگر، مردم به دلیل ناآگاهی سیاسی به کسانی به عنوان رهبران خودشان چشم امید بسته‌اند که عده‌ی از آنها هر از چندی حق سیاسی مردم را در بدل به‌دست‌آوردن سهم ناچیزی از قدرت سیاسی برای خود و هم‌حزبی‌هایشان، گاهی به این سیاستگر و گاهی هم به آن می‌فروشدند. عده‌ی دیگر اما به حدی بی‌اتوریته و فاقد جرئت سیاسی‌اند که به گونه‌ی درداور و ناامیدکننده حتا در موقعیت معاون دوم رئیس‌جمهور به شرکت برشنا نامه می‌نویسند و از آنها خواهان توجه در زمینه‌ی مسیر انتقال پروژه‌ی توتاپ می‌شوند. سیاستگرانی با روحیه‌ی ضعیف به نمایندگی از مردمی که در صلح‌خواهی و قناعت شهرت دارند، برای دولتمرد خودرأی و برتری‌خواهی که سعی دارد تمامیت افغانستان را در یک مشت بگیرد و فرصت و زمینه‌ی زیادی برای مردم باقی نگذارد، بهترین زمینه را فراهم می‌کنند تا او به سادگی دست به مانور بی‌باکانه علیه مردم بزند و هرچه دل‌اش خواست عمل کند.

فرودستان ولایت‌های مرکزی اگر می‌خواهند سرنوشت خودشان را به دست بگیرند، ابتدا باید دست از قناعت و بسندگی به کمترین‌ها بردارند و خواهان بیشترین‌ها شوند. این کار در گام نخست تمامیت‌خواهی دولت‌مردان را هدف می‌گیرد و در گام بعدی سیاستگران ترسو، معامله‌گر و روزمزد را که با استفاده از ناآگاهی مردم صاحب موقعیت سیاسی و مال و منال شده‌اند، از دایره‌ی تصمیم‌گیری روی سرنوشت فرودستان بیرون می‌کند.

انکشاف اقتصادی، بیداری سیاسی به بار می‌آورد؛ بیداری و شناخت یکی از راه‌های اصلی مبارزه با تبعیض است.

انتقال توتاپ از مسیر سمنگان-بامیان در واقع مبارزه با ناآگاهی، قناعت مذهبی، فراموشی و تبعیض سیستمی است. توتاپ آگاهی‌بخش است.

باشندگان ولایت‌های مرکزی با آنکه صلح‌جوترین مردم در افغانستان هستند و مناطق‌شان امن‌ترین مکان برای سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی است، مورد تبعیض دوامدار اقتصادی و سیاسی قرار دارند. گویی تصور همیشگی در میان دولت‌مردان کابل این بوده و است که مردم گوسفندی این مناطق تهدید جدی‌ی برای دولت مرکزی تمامیت‌خواه نیستند.

این باور بنا بر دو دلیل در میان سیاستگران برتری‌طلب از مدت‌ها پیش رایج بوده: نخست، مردم مناطق مرکزی به دلیل سرکوب‌های عبدالرحمان خان و پس از آن، خود را در محاصره‌ی طبیعت و سیاست تبعیض می‌دیدند و لذا از آگاهی سیاسی بلندی برخوردار نبودند. ادامه‌ی سیاست فقرسازی، توزیع فقر، تبعیض و سرکوب شده تا آنها حتا به زندگی در مغاره‌ها بسنده کنند؛ رویکردی که فرودستان ولایت‌های مرکزی را از بازی سیاست به دور انداخته، و در نهایت به فراموشی سپرده شده‌اند.

دو دیگر، مردم به دلیل ناآگاهی سیاسی به کسانی به عنوان رهبران خودشان چشم امید بسته‌اند که عده‌ی از آنها هر از چندی حق سیاسی مردم را در بدل به‌دست‌آوردن سهم ناچیزی از قدرت سیاسی برای خود و هم‌حزبی‌هایشان، گاهی به این سیاستگر و گاهی هم به آن می‌فروشدند. عده‌ی دیگر اما به حدی بی‌اتوریته و فاقد جرئت سیاسی‌اند که به گونه‌ی درداور و ناامیدکننده حتا در موقعیت معاون دوم رئیس‌جمهور به شرکت برشنا نامه می‌نویسند و از آنها خواهان توجه در زمینه‌ی مسیر انتقال پروژه‌ی توتاپ می‌شوند. سیاستگرانی با روحیه‌ی ضعیف به نمایندگی از مردمی که در صلح‌خواهی و قناعت شهرت دارند، برای دولتمرد خودرأی و برتری‌خواهی که سعی دارد تمامیت افغانستان را در یک مشت بگیرد و فرصت و زمینه‌ی زیادی برای مردم باقی نگذارد، بهترین زمینه را فراهم می‌کنند تا او به سادگی دست به مانور بی‌باکانه علیه مردم بزند و هرچه دل‌اش خواست عمل کند.

به پیشواز استقبال از...

با تطبیق حاکمیت قانون و بی‌طرفی در تامین عدالت جلو آن گونه جرایم را گرفته و جنایت کاران را به دادگاه بکشاند، به ویژه در این اواخر از همه‌ی کشورها بیشتر به مداخله آن دادگاه عرض تطبیق عدالت و پیگرد مجرمان نیاز داشته و اعزام یک هیئت حقیقت‌یاب از جانب دادگاه بین‌المللی جنایی می‌تواند، پرده‌ی تاریک و ابهام را از روی حقایق موجود بالا زده و جامعه‌ی جهانی را در روشنائی قضایایی که در این کشور اتفاق می‌افتد، قرار دهد.

در این کشور جنایات عظیم و باور نکردنی‌ای اتفاق افتاده، اما هنوز هیچگاه فرد ویا نهاده‌ی موفق نگردیده که از سرنوشت قربانیانش آگاه گردیده و برای تعقیب و پیگرد قربانیانش دوسیه (پرونده‌یی) را بازگشایی و راه اندازی نماید.

رسانه‌های کشور هر روز از آمار قربانیان گذارش می‌دهد، ولی در برابر این همه‌ی جنایت تاکنون هیچگاه کسی نتوانسته به گونه‌ی قانونمند و پیگیر دادخواهی نموده و مسببان جرایم را به پنجه‌ی عدالت بسپارد. نهادهای بنام عدلی و قضایی کشور که در مجموع زیر سلطه‌ی زورمندان و مرتکبان جرایم جنایی قرار دارد، نه تنها در صدد بررسی جرایم جنایی نیستند، بلکه خود به یک نهاد استخباراتی می‌ماند که دادخواهان را تحت تعقیب و پیگرد قرار می‌دهد.

در تاریخ نکبت‌بار این سرزمین جرایم جنایی مدام بالاتر از قانون قرار داشته و تاکنون دست توانای پدیدار نگردیده، تا آن دست‌ها را به دادگاه حاضر و ازش حساب گیرد.

در این گونه جرایم که در اکثر موارد اطفال، زنان، کهن سالان و افراد غیرنظامی هدف قرار می‌گیرند، قتل ناموسی، انتحار، گروگان‌گیری،

سربریدن، سنگ‌سار، تجاوز، غارت و چپاول در راس برنامه‌ی جنایتکاران قرار دارد. نماینده سازمان انکشاف حقوق بشری افغانستان در آن کنفرانس علاوه بر رایبه معلومات مفصل از اوضاع دشوار کشور، خواهان مداخله آن دادگاه روی موارد زیر نیز گردید:

۱. دولت افغانستان که این اصولنامه را تصویب و امضا نموده، از صلاحیت خود در مورد تطبیق آن جامعه‌ی بشری را اطمینان دهد.

۲. کشورهای که اتباع شان در افغانستان مرتکب جنایات ضدبشری می‌گردند، آناترا پس از بازگشت به اوطان شان تحت تعقیب عدلی قرار دهند.

۳. دولت افغانستان ویا کشورهای که توان تعقیب ویا تمایل به تعقیب مجرمان را ندارند، به کمک جامعه‌ی جهانی و با استقبال از امکانات این دادگاه مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و به کیفر رسانیده شود.

۴. در دولت افغانستان افراد و اشخاص مشکوک وجود دارد که تمایل به تعقیب ویا پیگرد مجرمان را ندارند، ICC می‌تواند با ایجاد فشار روی دولت افغانستان جلو این گونه افراد را گرفته و دولت افغانستان را به تصفیه‌ی این افراد از دادگاه‌های کشور ترغیب نماید.

۵. در بسیاری موارد، بی‌طرفی مقامات عدلی افغانستان، برای اجرای عدالت و تحقیق صادقانه مورد شک قرار داشته و در زمینه از این نهاد با اعتبار تمنا می‌شود تا با اعتراض در این مورد، خواهان اطلاعات در مورد چگونگی تعقیب و به کیفر رسانی مجرمان جنایی در آن کشور گردد.

۶. کشورهایی وجود دارد که ابزار نیابتی آنان در جنگ، دستور جرم را صادر ویا در زمینه ارتکاب آن سهولت‌های را فراهم ویا به گونه‌ی هدفمندانه افراد آن زیر نظر مقامات کشور شان در یک عمل جرمی شریک و به ارتکاب جرم

می‌پردازند. در این زمینه قربانیان آن جرایم فقط به این دادگاه به چشم امید می‌نگرند.

۷. اعزام هیئت برای دریافت حقایق از جریان جرایم که در افغانستان می‌گذرد از جانب ICC یکی از پیشنهادات اساسی ما می‌باشد، که یقینن مورد توجه قرار می‌گیرد.

دستگاه دیپلوماسی کشور که به شکل از اشکال متاثر از جو عمومی حاکم بر کشور است، برخلاف تقاضای نماینده‌ی اعزامی سازمان انکشاف حقوق بشری افغانستان در برابر مطالبات وی واکنش منفی نشان داده و از بی‌تصمیمی و عدم پذیرایی هیئت حقیقت‌یاب، توسط وزارت خارجه کشور یادآوری کرد.

دادگاه بین‌المللی جنایی که به ویژه پس از ۲۰۰۳ و امضای اصولنامه روم توسط دولت افغانستان، علاقه‌مندی‌اش را به پیگرد مجرمان جنایی و اعزام هیئت حقیقت‌یاب نشان داده، برای بار اول نیست که در برابر ورود هیئت حقیقت‌یاب مقاومت و کارشکنی می‌نماید، بلکه در جریان ۱۲ سال گذشته این عمل را بار بار تکرار کرده است.

این موضوع حق مردم افغانستان است که از دولتمردان کشور بپرسند که پس از امضای اصولنامه‌ی روم توسط دولت افغانستان چرا این دولت از صدور ویزا و خدمات معین دیگر برای کارمندان دادگاه بین‌المللی جرایم جنگی شانه خالی می‌نماید؟

امتناع از ورود هیئت حقیقت‌یاب خود نشان می‌دهد که دستگاه سیاست‌ورزی در کشور، همچنان در دستان قوی ناقضان حقوق بشر و مرتکبان جرایم جنایی قرار دارد.

دولت افغانستان که پس از امضای اصولنامه‌ی روم باید، مفاد این اصولنامه را درون نظام درسی دانشگاهی و اسناد حقوقی کشور وارد می‌نمود، بجای آن هماکنون در مخالفت با اعزام هیئت حقیقت‌یاب می‌خواهد به گونه‌ی نیابتی از ناقضان حقوق بشر حمایت کرده و اوضاع را همچنان به نفع جرایم و جنایت زمینه دهد.

در این صورت آیا نفس نظام خود در معرض سوال قرار نمی‌گیرد؟

ادامه دارد

.....

.....

.....

دانشگاه را به پایان رسانده و دومی سال اول دانشگاه را طی کرده بود، همراه با گروهی از دانشجویان به وین پایتخت کشور اتریش رسیده بودند، در حالیکه کریم کارگر، علی عرفان و عارف فرزان با جمعی وسیع، پیش از آغاز سال ۲۰۱۶ خودشان را تا اوسلو و استکهلم رسانده و انجنیر صمد با فامیل و هم دوره‌های پولی تخنیک شان با صدها پناهجوی دیگر در کمپ‌های اندونیزیا روز را شام می‌نمایند. بنا به اماری که یکی از آمریت‌های معارف در ولایت غزنی به گزارشگر هفته‌نامه‌ی صدای مردم افغانستان رایبه کرده است، تنها در یک ولایت از میان ۱۷هزار نفر شاگرد فارغ از صنف دوازدهم فقط ۱۰هزار نفر آن در امتحان کانکور شرکت نکرده و راه پناهجویی را در پیش گرفته‌اند.

این وضعیت درحالی ادامه دارد که نگارنده در جریان جشن فراغت دانشجویان هزاره در وین پایتخت کشور اطریش بتاريخ ۱۹ دسامبر سال گذشته، بیش از پنجاه نفر دانش آموزی را در حال گرفتن سند فراغت شان مشاهده کرد، که دوره جمنازیوم یا لیسه را پشت سر گذاشته و به دانشگاه‌ها ثبت نام کرده بودند.

آری! تا که این مکتب است و این ملا//احال طفلان خراب می‌بینم.

.....

.....

- سراج التواریخ، کاتب، نوشته‌ی فیض محمد، جلد سوم، تهران:انتشارات عرفان، ۱۳۹۰
- هزاره‌ها (تاریخ، فرهنگ، سیاست، اقتصاد)، نوشته‌ی حسن پولادی، مترجم علی‌عالمی کرمانی، تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۸۱، ص ۳۹۰
- همان، ۴۱۰
- اسناد قتل عام، مولف محمد نبی متقی، ۱۳۸۰

برگی از تاریخ

اردوی افغان در آخرین روزهای

سقوط محمد داوود

"ارتش - ۶۸۰۰۰ سرباز جلی و ۶۵۰۰ صاحب منصب. قوای هوایی - ۲۱۰۰ سرباز جلی و صاحب منصب که عمله و فله ۲۰۰ هواپیمای جدید را که اکثرن میگ ۲۱ بود، تشکیل می‌دادند. قوای دافع هوا- ۵۰۰۰ سرباز جلی و صاحب منصب با تجهیزات عصری به شمول راکت‌های سام-۲.

ترکیب قومی: سربازان جلی مخلوطی از اغلب گروه‌های قومی-زبانی‌اند، تقریب متناسب با نفوس مملکت. صاحب‌منصبان اکثرن پشتون می‌باشند؛ از ۴۳ جنرال عالی رتبه، ۳۵ نفر پشتون، ۱ نفر نورستانی، ۱ نفر هزاره، ۱ نفر پنجشیری (تاجیک)، ۱ نفر ازبک و ۴ نفر سید (به اصطلاح عرب) می‌باشد. از جمله ۹۶ صاحب منصب که در ایالات متحد امریکا آموزش دیده‌اند، ۹۳ تن پشتون و فقط ۳ تن غیرپشتون است.

ترکیب قبیلوی قوماندانی عالی افغان: محمدزایی (عشیره‌ی شاهی) ۸ نفر، پوپل‌زایی ۲ نفر، صافی ۱ نفر، ملاخیل ۱ نفر، ناصری ۵ نفر، تره‌خیل ۱ نفر، وردک ۲ نفر، اورباخیل ۲ نفر، مهمند ۱ نفر، منگل ۲ نفر، کاهور ۱ نفر، سهاک ۱ نفر، نورزایی ۱ نفر، جبارخیل ۱ نفر.

این انتساب‌های قبیایی در تعیین دسته‌بندی‌هاییکه در قوای مسلح بعد از تسلط کمونیست‌ها رشد کرد و هم در تحدید وفاداری و ترک خدمت که پس از تعرض شوروی رخ داد، حایز اهمیت بود.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ یک گروه کوچک هواشناس از نیروی هوایی امریکا موقتن در اداره وابسته نظامی بکار گماشته شد. این گروه ظاهرن نمونه‌های جوی را مطالعه می‌کرد و به اعضای اداره خدمات خارجی سفارت از ماموریت واقعی این گروه هرگز اطلاع داده نشده بود. اما گمان برده می‌شد که آنها آزمایش‌های هسته‌یی شوروی و چینیای را زیر نظر داشتند. تقریبن در همین وقت، یک افزایش محسوس در حاملگی میان خانم‌های امریکایی در کابل به وقوع پیوست. و بذله‌گویان ادعا می‌کردند که این باروری ناگهانی، زاده‌ی مقدار زیاد تشعشع از آزمایش‌های هسته‌یی کمونیست‌ها است. در یکی از صبح‌گاهان در بهار سال ۱۹۵۷، گرد خاکستری رنگ عجیب و مرموزی بر تمامی برگ‌ها در باغچه‌ی گل مولفان (این کتاب) و سایر جاها دیده می‌شد.

در سال ۱۹۵۷ بعد از آنکه شوروی ها در کمک نظامی به افغان‌ها تقدم تقریبن سه ساله‌یی داشتند، مجلس امنیت ملی سرانجام منافع امنیت امریکایی را در افغانستان مجددن مورد ارزیابی قرار داده و شروع به صدا درآوردن زنگ خطر کرد:

افغانستان آنقدر زیاد زیربار قرضه‌ی بلاک کمونیستی رفته است که استقلال آینده آنرا تهدید می‌کند. افغان‌ها امیدوارند که از امداد هر دو بلاک در عین زمان مستفید گردند و لیکن توان ایالات متحد امریکا در شکل‌دادن حوادث جنوب آسیا خیلی محدود است. ایالات متحد امریکا باید کوشش کند تا منازعه افغانستان را با پاکستان حل نماید. و افغانستان را تشویق کند که اتکای خود را بر بلاک کمونیستی در زمینه‌ی آموزش و تجهیزات نظامی به حد اقل برساند و به ایالات متحد امریکا و دیگر منابع جهان آزاد برای آموزش و مساعدت نظامی توجه کند.

...سفارت وظیفه بسیار موثری را در تحلیل و گزارش تهدید فزاینده شوروی در افغانستان انجام می‌داد. اکنون که واشنگتن آهنگ متفاوتی می‌سرایید، سفارت قادر گردید در سال ۱۹۵۷ یک درخواست رسمی از حکومت افغانستان به دست آرد، مبنی بر اینکه صاحب‌منصبان اردوی آن کشور آموزش پیشرفته نظامی را در ایالات متحد امریکا کسب نمایند. البته این درخواست‌ها قبلن تقدیم و رد شده بود، اما اکنون که شوروی‌ها در کمک اسلحه به افغانستان پیش‌دستی کرده بودند، علاقه فراوان برای ایجاد نوعی تعادل امریکایی در قوای مسلح افغان به وجود آمده بود. در نتیجه یک پروگرام کوچک که تقریبن بیست سال دوام کرد، به تصویب رسید تا یک تعداد کم از صاحب‌منصبان افغان را هر سال در کالج‌های ارکان حرب امریکایی تیریه کنند، ولی به زودی واضح شد که حکومت افغان روی دلایل سیاسی محض با بی‌میلی بدین پروگرام موافقت کرده بود، تا یک صورت ظاهری توازن را با تعداد زیاد صاحب‌منصبانیکه در اتحاد جمهوریت‌های سوسیالیستی شوروی آموزش دیده بودند، حفظ کند و هم برای اینکه به کمک اقتصادی معتناهایی که آن کشور در این وقت از ایالات متحد امریکا دریافت می‌کرد، لطمه نزند."

منبع: کشور شاهی(افغانستان و ایالات متحد امریکا از سال ۱۸۲۸ تا ۱۹۷۳)، نوشته‌ی لیون پاولادا و لیبلا پاولادا، مترجم پوهاند غلام صفدر پنجشیری، ۱۹۹۵، صص ۲۰۲- ۲۰۵

امریکا و هند؛ دو همکار استراتژیک



موج سریع رشد اقتصادی چین که برای امریکا رقیب خطرناکی به نظر می‌رسد، خود را به عنوان «توفان زرد» انعکاس داده است. سیاست‌گذاران امریکایی سریع‌تر متوجه شدند که این توفان به شکل آب زیرکاهی در حرکت است و می‌تواند چین را به قدرتمندترین کشور جهان مبدل کند. این برنامه‌ریزان، برای مهار این هیولای اقتصادی، توماری پیچیدند و گامی به جلو نهادند. از سوی دیگر، گفته می‌شود که توسعه‌ی اقتصادی چین، مدرنیته شدن سیستم نظامی این کشور را نیز به دنبال داشته است. دگرگون شدن تسلیحات نظامی این کشور نیز می‌تواند چالش بزرگی در برابر قدرت هژمونیک امریکا قلمداد شود.

چین از لحاظ سیاسی نیز استراتژی‌هایی را برای استحکام پایه‌های سیاسی و حمایتی خود در منطقه ترسیم کرده که بتواند روابط نیک و پایداری با کشورهای همسایه و منطقه ایجاد کند. این طرح، به نحوی تحدیدی برای استراتژی امریکا در منطقه قلمداد می‌شود. این مسئله اندیشمندان و سیاست‌گذاران امریکا و اداره‌ی سی‌آی‌ای را به سرگیجگی و تأمل عمیقی واداشته است. واضح است که واشنگتن در برابر پکن قرار خواهد گرفت و نخواهد گذاشت که چین، یکه‌تاز سیاسی-اقتصادی در سطح منطقه و آسیا گردد. این رقابت، زمینه‌ی شکل‌گیری معادله‌ی چندقطبی قدرت را در منطقه شکل می‌دهد.

ممکن است همان طوری که چین خواهان ایفای نقش پویا در اقیانوس هند است و برای بدست آوردن این پویایی از سریلانکا، پاکستان، میانمار و بنگلادیش و افغانستان حمایت می‌کند، تا بتواند علیه استراتژی امریکا و اروپا مقاومت کند. اما امریکا در کنار حمایت از افغانستان، از هند نیز حمایت می‌کند. امریکایی‌ها می‌دانند که پاکستان در همکاری منطقه‌ای بیشتر از آنکه با واشنگتن باشد، با پکن است. تفاهم استراتژیک میان پکن و اسلام‌آباد، بستر همکاری راهبردی میان دهلی-واشنگتن را مستحکم‌تر و پاکستان را به عنوان پاشنه‌آشیل امریکا مطرح ساخت. در نهایت می‌توان برجسته شدن جایگاه هند را در سیاست خارجی امریکا پس از پایان جنگ سرد، نشان دهنده‌ی افزایش اهمیت هند در استراتژی امنیت ملی امریکا در نظام بین‌الملل دانست، اما اینکه چقدر امریکایی‌ها منافع ملی خود را در این داد و ستد ببینند و هدف‌های استراتژیک خود را با حفظ این روابط دوسویه بدست بیاورند، پرسشی است که زمان پاسخ خواهد داد.

سیستم سیاسی دموکراتیک و نیروی انسانی کارآمد، به عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ و پویای جهان قد برافراشته، لیبرالیته شدن تدریجی اقتصاد هند، زمینه‌ی وابستگی متقابل هند و امریکا را بیشتر کرده است. بدین لحاظ هند برای توسعه‌ی اقتصادی-سیاسی خویش نیازمند همکاری راهبردی با امریکا است.

هند از نخستین سال‌های دهه‌ی نود میلادی، سیاست اقتصادی خود را بر پایه‌ی اصلاحات گام به گام که به دگرگونی بنیادی در حوزه‌ی کلیدی اقتصاد انجامید، استوار کرد. خصوصی‌سازی، اصلاح قوانین کارگری، گسترش زیربنای اقتصادی و ایجاد مناطق ویژه‌ی اقتصادی باعث دگرگونی ساختار اقتصادی، کاهش فقر، رشد طبقه‌ی متوسط و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی شد. امریکا یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در هند است که بالاترین آمار شرکت‌های خارجی هند را تشکیل می‌دهد.

(۳) خیزش قدرت زرد:
کارل مارکس در سده‌ی نوزدهم گفته بود: «بورژوازی با کالاهای ارزان خود می‌تواند سراسر جهان را بگردد». ولی امروزه چین به عنوان بخش بزرگی از قدرت امپریالیستی، با سریع‌ترین نرخ رشد اقتصادی‌ای که در سال‌های اخیر داشت، عکس گفته‌ی مارکس را به اثبات رساند؛ یعنی به جای اینکه کالاهای اروپایی و امریکایی سراسر جهان را تسخیر کند، کالای چینی آسیای سراسر جهان را گرفته است.

(۴) توفان زرد: انعکاس داده است. سیاست‌گذاران امریکایی سریع‌تر متوجه شدند که این توفان به شکل آب زیرکاهی در حرکت است و می‌تواند چین را به قدرتمندترین کشور جهان مبدل کند. این برنامه‌ریزان، برای مهار این هیولای اقتصادی، توماری پیچیدند و گامی به جلو نهادند. از سوی دیگر، گفته می‌شود که توسعه‌ی اقتصادی چین، مدرنیته شدن سیستم نظامی این کشور را نیز به دنبال داشته است. دگرگون شدن تسلیحات نظامی این کشور نیز می‌تواند چالش بزرگی در برابر قدرت هژمونیک امریکا قلمداد شود.

چین از لحاظ سیاسی نیز استراتژی‌هایی را برای استحکام پایه‌های سیاسی و حمایتی خود در منطقه ترسیم کرده که بتواند روابط نیک و پایداری با کشورهای همسایه و منطقه ایجاد کند. این طرح، به نحوی تحدیدی برای استراتژی امریکا در منطقه قلمداد می‌شود.

عید محمد رویش

نقد اجتماعی

اعتراض "مدنی" با معترضان غیرمدنی!

کمال فایز

در دو ماه گذشته، دو کانفرانس مطبوعاتی، یک گردهمایی و دو تظاهرات در حمایت از آغاز روند توزیع شناسنامه‌ی الکترونیکی انجام شد، اما دولت افغانستان هیچ واکنشی در زمینه نشان نداده است. در آخرین تظاهرات، جمعی از فعالان مدنی، کارمندان قبلی اداره‌ی توزیع شناسنامه الکترونیکی و دانشجویان شرکت داشتند. این معترضان، در اعتراض به عدم توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی آدمک‌های غنی و عبدالله را آتش زدند.

این معترضان سران "حکومت وحدت ملی" را به نقض قانون متهم کردند و گفتند که حکومت در برابر اراده‌ی مردم ایستاده است. آنان گفتند که دولت مکلف به تطبیق قانون توشیح شده‌ی ثبت احوال نفوس است. آنان یادآور شدند که هیچ مانع تخنیکی، اداری، قانونی-حقوقی و اجتماعی فرار از این روند وجود ندارد و رئیس جمهور و رئیس اجرائیه هیچ دلیل قانونی و منطقی برای عدم آغاز این روند ندارند. آنان هشدار دادند که در صورت آغاز نشدن این روند، به اعتراضات شان ادامه خواهند داد. اما آنچه در برای من قابل تأمل است اینکه، چرا جمعی از کسانی که خود را فعال مدنی می‌خوانند، تمایل به بازتولید خشونت دارند. فعالان مدنی نباید در تظاهرات شان دست به سوختاندن، کشتار، ویرانی و چپاول بزنند. در بعضی تظاهرات‌های قبلی نیز، دیده می‌شد که جوانان و معترضان بیرق‌های داعش، طالبان، پاکستان و امریکا را آتش می‌زدند.

انسان‌هایی که می‌خواهند براساس منطق، عقلانیت و خردورزی دست به فعالیت‌های سیاسی، مدنی، حقوقی و اجتماعی بزنند، خود در بازتولید خشونت‌گرایی نقش داشته باشند، بعید به نظر می‌رسد. اما اینکه فعالان مدنی؛ کسانی که خواهان برپایی جامعه‌ی مدنی، انسانی و دموکراتیک هستند، خود باورمند به عملکردهای انسانی، مدنی و دموکراتیک نیستند، قابل نقد است. اینکه رئیس جمهور و رئیس اجرائیه لایق آتش‌زدن و سوختن در کوره‌ی آتشین هستند یا نه، بحث دیگری است، اما نفس علم‌کرد و شیوه‌ی تظاهرات خشونت‌آمیز قابل نقد است.

اعتراض در قالب نقد، ایجاد گفت‌وگو، راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز بجا و منطقی است. اعتراضات مسالمت‌آمیز راه را برای ایجاد گفت‌وگو، بحث، استدلال و اصلاحات باز می‌کند، اما اعتراضات خشونت‌آمیز بیشتر از آنکه جنبه‌ی اصلاحی داشته باشد، جنبه‌ی تخریبی دارد.

متأسفانه ساختار اجتماعی افغانستان طوری است که خیلی از روشنفکران، آگاهان سیاسی، فعالان مدنی و دانش‌آموخته‌گان نیز با قضایا و مشکلات اجتماعی-سیاسی، برخورد خصمانه، غیرعقلانی و غیرسنجیده دارند. گرچند این نوع برخوردها برگرفته از همین مناسبات اجتماعی، میدان سیاسی و متن کلی افغانستان است که روشنفکران و تحصیل‌کرده‌گان افغانستان نیز متأثر از همین مناسبات است. در رگ و خون روشنفکران و فعالان مدنی این دیار نیز همین خصوصیات حاکم بر جامعه جریان دارد. بخشی از طیف این سازه، هنوز هم با معیارهای مناسبات اجتماعی عقب‌گرایانه و برخوردهای غیرعقلانی وارد میدان اجتماعی سیاست و اقتصاد می‌شوند، بدون اینکه بفهمند این مناسبات و برخوردها به نفع اجتماع سالم انسانی نیست.

سیاست‌ورزان و فعالان اجتماعی و مدنی باید پیامد مثبت و منفی عملکردهای شان را بسنجند. بدین اساس، آنچه من می‌خواهم بگویم این است که دادخواهی برای حقوق شهروندی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و... حق مسلم هر فرد این جامعه است، اما تظاهراتی که خود باعث بازتولید خشونت شود، کارکرد منفی‌اش بیشتر از کارکرد مثبت‌اش است.

فعالان مدنی و معترضان در تظاهرات اخیر بجای اینکه مثل منطق مدرن، انسانی، مدنی باشند، گویای منطق سنتی، غیرعقلانی و قرون وسطایی بودند. چون من آتش‌زدن آدمک غنی و عبدالله را کمتر از آتش‌زدن فرخنده نمی‌دانم.